

سخن آغازین

نشریه حاضر که یکی از دو نشریه برآمده از نشریه علمی-پژوهشی ادب پژوهی است مطابق عنوان قرار است که در خدمت اعتلای فرهنگ نقد و نظریه ادبی در ایران باشد.

برای ما بنمایه نقد و نظریه ادبی رفتاری سازمند، عقلانی و بدیع به متن ادبی است که برخوردار از یک مبنای نظری دقیق، روشی حساب شده، نگاهی روشن، عمیق، و برآمده از جریان بررسی‌های ارجمند متون ادبی باشد. بر این اساس، هر گونه تلاشی در عرصه نقد و نظریه ادبی ویژگی‌های زیر را دارد:

- سازمند است، یعنی قواعدی دارد و از انتظامی تبعیت می‌کند. بنابر این، استناد به سلیق فردی و یا انتظام‌گریزی پذیرفته نیست، هرچند که رعایت قواعد به معنای کلیشه‌سازی و کلیشه‌پردازی نیست.

- عقلانی است یعنی نوعی منطق عقلی را دنبال می‌کند و به بهانه نسبت ادبیات با احساس، بر مدار احساسات نمی‌گردد، هرچند برای ما منطق عقلی می‌تواند تداوم منطق حسی باشد.

- از یک چارچوب یا دست کم یک مبنای نظری برخوردار است. نظریه‌های ادبی تبلور آزمون و خطاهای نظری در میدان عمل ادبیات‌اند و نمی‌توان به آنها بی‌اعتنا بود، اما می‌توان نگاهی سطحی به آنها داشت، آنها را دست‌آموز و ابتر کرد و حتی چنان غیر فنی و ساده‌سازانه به آنها برخورد کرد که علت وجودی‌شان را از دست بدهند.

- روشمند است. بنا به قاعده هر نظریه ادبی متضمن نوعی روش است و به این اعتبار، به نحوی آشکار یا پنهان، روش‌شناسی خود را به همراه دارد، با این حال بیان دو نکته در اینجا لازم است: اول آنکه هر خوانش کم‌مایه از نظریه، نقش روش را از میان می‌برد، دوم آنکه روشمندی تالی نظریه‌پردازی نیست و بسا روش‌هایی که مستلزم فرا روی از نظریه‌های تعریف شده باشند.

- مستند به یک جریان ادبی و فرهنگی است. امروز دیگر این یک واقعیت پذیرفته است که هر متن نهایتاً یک بینامتن است، یعنی قرائتی که به مقتضای زمان و مکان و در حدود خلاقیت و توانایی‌های نویسنده، بر بستر یک گذشته ادبی شکل می‌گیرد. از این رو هر نوشته‌ای در حوزه ادبیات به گونه‌ای این موجودیت بینامتنی را نشان می‌دهد و نمی‌تواند داعیه قائم به ذات بودن داشته باشد، اگرچه بسیاری هنوز این داعیه را به معنای بدعت می‌گیرند.

- نگاهی روشن به موضوع بحث دارد. رسیدن به این نگاه کار ساده‌ای نیست و به وضوح نمایش اشراف به موارد مورد بررسی است. در عین حال، نگاه روشن به امور، انکار ژرف‌نگری نیست، می‌توان نگاهی شفاف اما عمیق داشت.

- از بیان غامض، دشوارگویی و پرگویی به دور است. این خصیصه‌ای است که همزاد روشن‌بینی است. دشوارنویسی عموماً ریشه در ادراک سطحی از موضوع بحث دارد، با این حال کم نیست مواردی که نویسنده‌ای مسلط و محیط بر موضوع، زبان را سهل‌انگارانه به کار می‌گیرد.

- از گونه‌ای و میزانی از بدعت و نوآوری برخوردار است و به سخن معمول، به نحوی حرف تازه‌ای می‌زند. و به راستی که این بدعت، در زمانه ما، چه گوهر کمیابی است.

این ویژگی‌ها که بر شمردیم، البته بیان یک خواست حداکثری است، و اگر بخواهیم «واقعی» سخن بگوییم، جمع آنها در یک مقاله آرزویی محال یا دست کم دیرپاب است. اما به نظر می‌رسد که در این میان، ادراک ما از واقعیت هم ملاک باشد و اگر «واقعیت» را طوری تعریف کنیم که نسبتی با آرمان‌ها و آرزوهای ما داشته باشد، بی‌شک امر واقعی را به امر موجود فرو نمی‌کاهیم، بلکه می‌کوشیم تا امر موجود به مرتبه امر واقعی ارتقا یابد و آرزوهای محال ممکن شود.

ما به استناد چنین دیدگاهی، و چنین تعریفی از واقعیت، برای آماده‌سازی شماره اول نشریه، نزدیک به هزار مقاله رسیده به دفتر مجله را خواندیم و به دست‌آوری سپردیم، و به پشتوانه کاری جمعی و شبانه‌روزی تلاش کردیم تا در حد امکان کیفیت کار را حفظ کنیم، و سرانجام به هفت مقاله رسیدیم که امیدواریم فاصله چندانی به معیارهای ما نداشته باشند.

متأسفانه فضای موجود نقد و نظریه در ایران، به رغم کثرت مقالات منتشر شده، جریانی بالنده و بدیع نیست و خبر از شکوفایی، خلاقیت و آینده‌نگری نمی‌دهد. نیاز به چاپ مقاله برای جامعه دانشگاهی به فعالیتی سرنوشت ساز بدل شده و نتیجه بلافصل آن فرایندی است که آبرومندانه‌ترین نام آن «مقاله‌سازی» است. این وضع، کم و بیش، حتی گریبان برجسته‌ترین اندیشمندان ما در حوزه علوم انسانی را گرفته است، به نحوی که میزان مقالات موثر این افراد در مجلات دانشگاهی رو به کاهش است و ترجیح می‌دهند نوشته‌های اثرگذار خود را در حوزه عمومی مطرح کنند.

جدا از این معضل عمومی فضای دانشگاهی در ایران، در حوزه نقد و نظریه ادبی به طور خاص، فاصله میان جریان‌های نظریه ادبی در غرب و ایران کم نیست. با فرض اینکه نظریه‌های ادبی نوعاً وارداتی‌اند، راهی نیست جز آنکه گفتگویی مستمر را با آنها سامان دهیم. این گفتگو البته آغاز شده

است و دستاوردهای گاه قابل توجهی نیز داشته است اما این راهی طولانی و پرفراز و نشیب است و به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، به سبب مجموعه‌ای از شرایط خرد و کلان علمی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، در یک دوره رکود به سر می‌بریم.

با این همه این اندک که گفتیم، اگرچه تنها گوشه‌ای از آسیب‌شناسی وضع موجود است، شرح مصیبت نیست که بخواهد دستمایه نومی‌دی باشد. از اولین اسباب اهل فکر بودن روحیه امید و تلاشگری در شرایط سخت است. شاید گروهی از خوانندگان محترم، سیاست نشریه نقد و نظریه ادبی را با توجه به ویژگی‌هایی که بر شمردیم سخت‌گیرانه بپندارند، یا آن را بی‌اعتنایی به واقعیت‌های موجود به حساب آورند، اما گردانندگان این نشریه، به دور از هرگونه خام‌اندیشی و خیالبافی، و بدون کمترین ادعایی، صرفاً به استناد تجربه سالها حضورشان در عرصه نقد و نظریه ادبی در ایران، می‌کوشند با اشتیاق تام، اعتقاد راسخ و تلاش مستمر، نشریه‌ای را سامان دهند که در جهت تحقق ارزشها و آرمانهایی باشد که چندین دهه برای به ثمر رسیدنشان تلاش کرده‌ایم. ما عمیقاً باور داریم که شأن و جایگاه دردمندان اهل نظر در عرصه نظریه ادبی به جد چنین تلاشی را طلب می‌کند. تا حکم تقدیر چه باشد و فرهنگمداران این قوم، در این راه، به چه میزان یاری رسان ما باشند.

بهزاد برکت

سر دبیر نشریه